

روزی که رضاشاه فرار را بر قرار ترجیح داد!

۴ شهریور ۱۳۹۴ ساعت ۱۷:۵۸

ایران در شهریور ۱۳۲۰ به اشغال متفقین درآمد که در نوع خود یک پرتگاه بزرگ تاریخی برای کشور ما محسوب می‌شود

تضعیف کامل دولت مرکزی، تخریب زیرساختهای معیشتی و به‌هم‌خوردن سامان فرهنگی و اجتماعی جامعه ایران از جمله پیامدهای جنگ جهانی دوم بودند که دامنگیر کشور ما شدند. اما در این میان، به‌نظر می‌رسد ضعف دیپلماسی ایران عامل اصلی اشغال نظامی و پیدایش حالت جنگی در کشور بود. گرچه سرانجام متفقین اشغالگر پیروز صحنه جنگ شدند و ایران به‌رحال در جبهه پیروز جنگ قرار گرفت، اما پیداست که روس و انگلیس، گرایش دولت و ملت ایران به همکاری باخودشان را از سر اجبار و ناچاری قلمداد می‌کردند و بنابراین رغبتی برای دلجویی یا دستگیری از ایران جنگ‌دیده نداشتند. درواقع اگر دولت رضاشاه از یک دستگاه دیپلماسی قدرتمند برخوردار می‌بود، می‌توانست یا آلمانی‌ها را به خارج کردن نیروهای خود متقاعد سازد و یا با تشخیص درست و واقعی از موقعیت نظامی آلمان و ایده‌های نازیسم، از همان ابتدا به شکننده‌بودن قدرت هیتلری پی‌برده و دفع‌الوقت نکند.

ساعت چهار صبح روز سوم شهریور سال ۱۳۲۰ (۲۵ اوت ۱۹۴۱) سفیران انگلیس و شوروی طی یادداشت‌هایی که هر یک جداگانه تسلیم نمودند اعلام داشتند که: چون دولت ایران در انجام درخواستهای فوری و مهم دو کشور همسایه که در یادداشت‌های مورخه ۲۸ تیر و ۲۵ مرداد سال ۱۳۲۰ بطور مبسوط و واضح به آنها اشاره شده بود سهل‌انگاری کرده و سیاست مبهمی در این موقع باریک و خطرناک پیش گرفت و اظهارات و تذکرات دوستانه ما را نخواست با حسن نیت تلقی کند و در بیرون کردن عمال آلمانی هیچ‌گونه اقدامی ننمود به این جهت دولتهای شوروی و انگلیس خود را ناگزیر دیدند به نیروهای مسلح خود دستور دهند که از مرزهای ایران عبور نمایند و اینک با کمال تأسف به آقای نخست‌وزیر (علی منصور) اطلاع می‌دهیم که واحدهای شوروی و انگلیس طبق دستور ستادهای مربوطه وارد خاک ایران شده مشغول پیشروی هستند.

رضاشاه به ریسک بزرگی دست زد و از اخراج آلمانی‌ها - آنگونه که متفقین می‌خواستند - ممانعت کرد. دستور حمله از مقررماندهی لندن صادر شد و از سوی نماینده‌های شوروی و انگلیس به دولت ایران ابلاغ شد. زمانی که هنوز تانک‌های دولتی شوروی و انگلیس در مناطق شمالی و جنوبی ایران حرکت خود را آغاز نکرده بودند، نخست‌وزیر در مجلس شورای ملی از خطرات این کشورها به ایران سخن گفت: «مطالبی که حالا به اطلاع آقایان می‌رسد فقط برای گزارش جریانات اخیر و وقایعی است که روی داده است. به طوری که از ابتدای وقوع جنگ کنونی بنا بر فرمان ملوکانه مقرر گردید، دولت شاهنشاهی بی‌طرفی

ایران را اعلام نموده و با تمام وسایل و قوای خود دقیقا این سیاست را پیروی و به موقع اجرا گذاشته و با یک رویه صریح و روشنی در حفظ کشور از خطر سرایت وقایع جنگ و در صیانت از حقوق مشروع تمام دول که با ایران روابط دارند به ویژه دول همسایه کوشیده است. چنانکه تا حال به هیچ وجه خطری در ایران از هیچ طرف هیچ یک از آن‌ها متوجه نگردیده است. متأسفانه با تمام این مجاهدات که دولت ایران به منظور حفظ امنیت و آسایش کشور و رفع نگرانی دو دولت همسایه خود نمود، در عوض حسن تفاهم و تسویه مسالمت‌آمیز قضیه، نتیجه این شد که نمایندگان شوروی و انگلیس ساعت چهار صبح امروز به منزل نخست‌وزیر رفته و هر کدام یادداشتی مبنی بر تکرار مطالب گذشته که جواب آن‌ها با اقدامات اطمینان‌بخش داده شده بود، تسلیم نموده و در این یادداشت‌ها توسل خود را به نیروی نظامی اخطار کرده‌اند. دولت ایران برای روشن ساختن علت و منظور این تجاوزات، به فوریت مذاکرات و اقدامات به عمل آورده و منتظر نتیجه می‌باشد که البته به استحضار مجلس شورای ملی خواهد رسانید. چون فعلا منتظر نتیجه مذاکرات هستیم تقاضا شد در این جلسه غیر از استماع گزارش صحبتی نشود و بعد به موقع مجلس را برای استحضار از نتیجه مذاکرات و اتخاذ تصمیم خبر خواهیم داد. دولت لازم می‌داند به عموم افراد کشور توصیه و تاکید نماید که در این موقع باید کمال خونسردی و متانت را رعایت نموده و با رعایت آرامش رفتار نمایند».

سرانجام در نیمه شب دوشنبه، ۳ شهریور ۱۳۲۰ قوای شوروی با پشتیبانی تانک و هواپیما از شمال و قوای انگلیس از مرزهای غربی، وارد ایران شدند. جبهه دوم ارتش انگلیس از مرز خسروی عبور کردند و تأسیسات نفت شاه را تصرف و به سوی کرمانشاه پیشروی کردند. نیروهای ایرانی در برابر آنان مقاومت زیادی کردند، اما فرمان ترک مقاومت به تمام واحدهای نظامی ابلاغ شد و نیروهای انگلیس و شوروی به هم پیوستند و ارتش ایران، با سرعتی باورنکردنی تار و مار شد.

یکی از پیامدهای اشغال ایران به دست متفقین، سقوط رژیم استبدادی رضاخان و به قدرت رسیدن فرزندش محمدرضا بود. در همان ساعتی که ایران مورد حمله نیروهای شوروی و انگلستان قرار گرفت «اسمیرنوف» سفیر شوروی و «سر ریدر بولار»، وزیر مختار انگلستان، منصور نخست‌وزیر ایران را از جریان حمله مطلع کردند. «مولوتف» کمیسر امور خارجه شوروی نیز یادداشتی به محمد ساعد - سفیر ایران در مسکو - تسلیم کرد که طی آن ورود قوای شوروی به ایران به استناد مواد پنجم و ششم عهدنامه دوستی ۱۹۲۱ میلادی و به منظور جلوگیری از فعالیت آلمان‌ها در ایران که خطری برای امنیت شوروی به شمار می‌رفت، توجیه شده بود. رضاشاه که در مقابل حمله ناگهانی دو همسایه نیرومند غافلگیر شده بود بلافاصله به وسیله سفرای ایران در مسکو، لندن و واشنگتن از دولت‌های مزبور تقاضا کرد عملیات نظامی را بی‌درنگ متوقف کرده و با او وارد مذاکره شوند. متفقین جوابی به این تقاضا نداده و تلویحا فهماندند که دیگر دیر شده است. رضاشاه به تصور اینکه متفقین حاضر نیستند با منصور نخست‌وزیر وارد مذاکره شوند، وی را برکنار و محمدعلی فروغی را که بیشتر مورد قبول انگلیسی‌ها بود، مامور تشکیل کابینه جدید کرد. به پیشنهاد فروغی رضاشاه به کلیه واحدهای نظامی دستور ترک مقاومت صادر کرد. پس از این اقدام، فروغی با نمایندگان شوروی و انگلستان وارد مذاکره شد.

محمدرضا پهلوی در کتاب «پاسخ به تاریخ» می‌نویسد: «متفقین به دولت ایران اطلاع دادند که قوای مسلح آن‌ها در ۲۶ شهریور ۱۳۲۰ تهران را اشغال خواهند کرد. به محض دریافت این خبر، پدرم گفت: آیا تو فکر می‌کنی که من حاضر از یک سرگرد

انگلیسی دستور بگیریم؟، سپس در روز ۲۵ شهریور ۱۳۲۰ پدرم استعفا داد.» همچنین اشرف پهلوی دیگر فرزند رضاشاه از ترس‌های پدر می‌گوید: «پدرم به خاطر سن زیاد و ترس از روس‌ها که با طرفدارانش به خشونت رفتار کرده بودند و اینکه وقتی دید ارتشی که آن همه برای ایجادش خون دل خورده و تمام اتکایش به آن بود به این زودی و سادگی مضمحل شده و روس‌ها به طرف تهران حرکت کرده‌اند، روحیه خود را به شدت باخت.»

از این رو همزمان با حرکت نیروهای متفقین به سوی تهران، رضاشاه، نامه استعفایی را که توسط فروغی تهیه شده بود، امضا کرد و صبح روز ۲۵ شهریور راهی اصفهان شد. متن استعفا به این شرح بود: نظر به اینکه من همه قوای خود را در این چند ساله، مصروف امور کشور کرده و ناتوان شده‌ام، حس می‌کنم که وقت آن رسیده که یک قوه و بنیه جوان‌تری به کارهای کشور که مراقبت دائم لازم دارد، بپردازد و اسباب سعادت و ورزی ملت را فراهم آورد، بنابراین امر سلطنت را به ولیعهد و جانشین خود واگذار کرده و از کار کناره‌گیری می‌نمایم. از امروز که ۲۵ شهریور ماه ۱۳۲۰ است عموم ملت از کشوری و لشکری ولیعهد و جانشین قانونی مرا باید به سلطنت بشناسند و آنچه از سوی مصالح نسبت به من می‌کردند نسبت به ایشان منظور دارند.

در این هنگام متفقین درصدد یافتن جانشینی برای رضاشاه برمی‌آیند و پس از جستجوی بسیار، سرانجام کسی را مناسب‌تر از پسرش محمدرضا برای این مقام نمی‌یابند، چون او هر سه شرطی را که متفقین برای این امر در برابر او گذاشته بودند، بی‌چون و چرا می‌پذیرد و گردن می‌نهد. این سه شرط در اسناد وزارت خارجه ایالات متحده در تاریخ ۲۹ سپتامبر ۱۹۴۱ (۱/۷/۱۳۲۰) به صورت زیر آمده است: شاه جدید اطمینان‌هایی داده است که: قانون اساسی ایران را رعایت خواهد کرد، املاکی را که پدرش گرفته است، به ملت باز خواهد گرداند و تعهد می‌کند اصلاحاتی را که دولت انگلیس لازم شمرده است، انجام خواهد داد.

منابع:

- ۱- جان فوران، مقاومت شکننده، ترجمه احمد تدین، تهران: رسا، ۱۳۸۵.
- ۲- همایون الهی، اهمیت استراتژیکی ایران در جنگ جهانی دوم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی تهران، ۱۳۶۵.
- ۳- علی اصغر زرگر، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در دوره رضاشاه، ترجمه کاوه بیات، تهران: پروین - معین، ۱۳۷۲.
- ۴- عبدالرضا هوشنگ مهدوی، سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی ۱۳۵۷-۱۳۰۰، تهران: البرز، ۱۳۷۵.
- ۵- ایرج ذوقی، ایران و قدرتهای بزرگ در جنگ جهانی دوم، تهران: پازنگ، ۱۳۶۷.
- ۶- جمعی از نویسندگان، گذشته چراغ راه آینده، تهران: ققنوس، ۱۳۶۴.

۷-انور خامه ای، «علل سقوط رضا شاه و اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰»، نشریه حافظ ، شماره ۶.

منبع: قدس آنلاین

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۳۱۳۵۷/ترجیح-قرار-فرار-رضاشاه-روزی/۳۱۳۵۷>